

الگوی مدیریت دانش / مدیریت ساخت شناخت، شکوفایی خلاقیت و نوآوری در آموزش علوم انسانی و علوم دیگر

محمد رضا بهرنگی*

چکیده

هدف این مقاله بیان تحولی است که می‌بایست خیلی پیش از این در دوران متمادی تاریخ آموزش و پرورش با نموده‌های مشترکی چون آموزگار محوری، حفظ محتوای جزوات و کتابهای با محتوای ثابت، ارزشیابی از حفظیات، شاگردان منفعل در یادگیری، و جو بی تحرک، بدون ارتباط شاگرد با شاگرد و مذاکره و مفاهمه صورت می‌گرفت. تحولی که اگر صورت می‌گرفت بشر را در عرصه توسعه آگاهی از طریق شکوفایی استعدادهای نهفته خلق و نوآوری بسیار فراتر از آنچه که امروز است پیش می‌برد. هدف دوم این مقاله معرفی رویکردی جدید توسط سناریوی ده مرحله‌ای تدریس است که در آن مهارتهای استفاده از الگوهای نوین پردازش اطلاعات در توسعه شناخت شاگردان صورت می‌گیرد. این الگوها شامل: آماده سازی و عرضه دانش سازمان یافته به کلاس، دریافت مفاهیم توسط شاگردان، عادت‌ورزی به تفکر علمی استقرایی، بدیع‌پردازی، کاوشگری به شیوه تبدیل داده‌ها و واقعیات به نظریه‌های علمی، تولید دانش از طریق ارتباط با سرشت، فطرت و ذات در خلق و نوآوری و شکوفایی استعدادهای انسانی و تولید فرضیه‌های علمی برای مفاهیم، تحلیل و تعمیم آنها با آینده‌نگری است. به منظور

* استاد مدیریت آموزشی دانشگاه تربیت معلم - فارغ‌التحصیل دانشگاه کالیفرنیا جنوبی و یو.

سی. ال. ای behrangimr@yahoo.com

بستر سازی مناسب برای فعالیتها و مشارکت شاگردان در مدیریت دانش و مدیریت بر پردازش اطلاعات استفاده از الگوهای مختلف مشارکتی از جمله جیگ ساو، جورچین، تفحص گروهی، کاوشگری به شیوه محاکم قضایی، کشف و پذیرش ارزشها و موضعهای منطقی، مشارکت در یادگیری منظور می‌شود. به علاوه، این مقاله هدف سومی هم دارد که آن بررسی انتقال مهارتهای یادگیری محتوای علوم انسانی به یادگیری مطالب و مباحث علوم دیگر است. در این تحقیق از انواع روشهای تحقیق و حقیقت‌یابی و گردآوری داده‌ها و اطلاعات از جمله مشاهده، مصاحبه، دسته‌بندی، عنواندهی به مفاهیم کشف شده، تحلیل و تولید تعریف منطقی و علمی و پیشگویی بر اساس یافته‌ها که نوعی استفاده از روش تحقیق مبتنی بر گراند تئوری است استفاده شده است. روش تحقیق نیمه تجربی و توصیفی نیز به لحاظ بررسی اطلاعات آماری و استنباطی برای تحلیل آثار پرورشی و آموزشی کاربست عادت‌ورزی به مدیریت دانش/ ساخت شناخت و یادگیری معنادار، خلاق و نوآور ساختن مهارت یادگیری در آموزش علوم انسانی به کار رفته است. ابزار گردآوری داده‌ها، دو پرسشنامه محقق ساخته برای اندازه‌گیری میزان تأثیرات پرورشی و آموزشی تدریس با این الگو است که بر مبنای مشاهده و استفاده از کتابها و نتایج تحقیقات متعدد خود نویسنده، و اسناد دیگر تهیه شده و مراحل علمی سنجش روایی و اعتبار آن با تکرار آزمایشی فراوان انجام یافته است. نتایج تحقیقات نیمه تجربی و توصیفی بیانگر خیر کثیر کاربرد این الگو و نبود شری اندک در آثار پرورشی، آموزشی و پیشرفت تحصیلی شاگردان می‌باشد. در واقع عادت‌ورزی به مدیریت دانش/ ساخت شناخت در ذهن و توسعه مهارت یادگیری بر اساس خلاقیت و نوآوری که منجر به تقویت مهارت شناخت انسان می‌شود می‌تواند موجب توسعه شناخت او در پاسخ به نیازهای بومی، اجتماعی، کشوری و بشری و تولید و توسعه دانش شود. بنابراین این الگو برای تدریس علوم انسانی و با کسب مهارت یادگیری از آن برای تدریس سایر علوم توصیه گردیده است.

کلیدواژه‌ها: مدیریت دانش، مدیریت شناخت، یادگیری معنادار، خلاقیت و نوآوری

مقدمه

مردمی که سن و سالی دارند و زندگی چند دهه پیش را با زندگی پیچیده امروز مقایسه می‌کنند با حسرت به ساده زیستی آن دوران و داشتن اوقات لازم برای آموزش می‌نگرند. رفت و آمد چند دقیقه‌ای شاگردان به مدرسه در قرب جوار منزل، نبود اینترنت و سی. دی. رام برای بازیهای رایانه‌ای، هوای تمیزتر، آلودگی صوتی کمتر شهرها به دلیل کمبود